

تحلیل نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان با تأکید بر سبک فرزندپروری

زهرا بدری^۱

چکیده

تربیت جنسی به عنوان بخشی اساسی از فرآیند تربیت انسانی، جایگاهی مهم در اندیشه اسلامی دارد و نهاد خانواده نخستین و مؤثرترین بستر آن به شمار می آید. والدین با رفتار، نگرش و سبک فرزندپروری خود، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری نگرش های جنسی، حیا، عزت نفس و سلامت اخلاقی فرزندان ایفا می کنند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی و بر پایه منابع قرآنی، روایی و روان شناختی، به بررسی جایگاه والدین در تربیت جنسی فرزندان با تأکید بر سبک های مختلف فرزندپروری پرداخته است. یافته ها نشان می دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه که در آن محبت، احترام، گفت و گو و نظم در کنار یکدیگر قرار دارند. بیشترین سازگاری را با اصول تربیتی اسلام دارد و زمینه رشد جنسی سالم، عفاف و مسئولیت پذیری را در فرزندان فراهم می سازد. در مقابل، سبک های مستبدانه و سهل گیرانه، به دلیل افراط یا تفریط در کنترل و محبت، می توانند موجب شکل گیری رفتارهای ناسالم، اضطراب یا انحرافات جنسی شوند. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که تربیت جنسی در اسلام، فرآیندی تدریجی، محبت آمیز و آگاهانه است که تحقق آن مستلزم تعامل هماهنگ والدین و پایبندی آنان به اصول اخلاقی و ایمانی می باشد.

کلیدواژه ها: تربیت جنسی، والدین، سبک فرزندپروری، اسلام، حیا، خانواده.

مقدمه

تربیت جنسی به عنوان بخشی بنیادین از فرآیند تربیت انسان، در دهه های اخیر به یکی از چالش های جدی جوامع بشری تبدیل شده است. با گسترش رسانه ها، فضای مجازی و تغییر سبک زندگی، کودکان و نوجوانان در معرض حجم بالایی از اطلاعات و تحریکات جنسی قرار گرفته اند که در بسیاری از موارد بدون هدایت صحیح و در بستر خانواده رخ می دهد. در نظام تربیتی اسلام، خانواده و به طور خاص والدین، نخستین و مهم ترین عامل

^۱. دانشجوی سطح دوم، حوزه علمیه فاطمه الزهرا، اسلام آبادغرب، ایران.

شکل‌دهنده نگرش جنسی و اخلاقی فرزندان شناخته می‌شوند. سبک فرزندپروری و نوع تعامل والدین با فرزندان، می‌تواند زمینه‌ساز رشد جنسی سالم، حیا، عزت‌نفس و رفتار مسئولانه باشد یا برعکس موجب اختلال‌های رفتاری، اضطراب و انحرافات جنسی گردد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که؛ سبک‌های مختلف فرزندپروری چه نقشی در تربیت جنسی فرزندان دارند و کدام سبک با مبانی تربیتی اسلام سازگاری بیشتری دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش از آنجاست که بسیاری از والدین یا از طرح مسائل جنسی با فرزندان خود هراس دارند، یا به دلیل فقدان آگاهی، آن را به رسانه‌ها و محیط بیرون واگذار می‌کنند؛ امری که می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری بر هویت جنسی و شخصیت آنان داشته باشد. تربیت جنسی در اسلام، فرآیندی تدریجی، محبت‌آمیز و آگاهانه است و دستیابی به آن تنها در صورتی ممکن است که والدین به سبک صحیح فرزندپروری و شیوه‌های ارتباطی سازنده مجهز باشند.

اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تبیین جایگاه والدین در تربیت جنسی فرزندان از منظر اسلام؛
 ۲. بررسی تأثیر سبک‌های مختلف فرزندپروری بر سلامت جنسی و اخلاقی فرزندان؛
 ۳. شناسایی سبک فرزندپروری مطلوب و منطبق بر اصول تربیتی اسلام.
- پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هرچند مطالعات متعددی درباره تربیت جنسی یا ابعاد روان‌شناختی فرزندپروری انجام شده است، اما پژوهش‌هایی که به پیوند میان سبک فرزندپروری و تربیت جنسی با رویکرد اسلامی بپردازد، اندک است. برخی تحقیقات داخلی به سبک فرزندپروری مقتدرانه و آثار آن بر عزت‌نفس یا سلامت روحی نوجوانان پرداخته‌اند، اما کمتر به تحلیل مبانی قرآنی و روایی در این زمینه توجه شده است. ساختار مقاله بدین‌گونه تنظیم شده است: ابتدا مفهوم تربیت جنسی و مبانی قرآنی و روان‌شناختی آن تبیین می‌گردد، سپس به نقش والدین در نظام تربیت اسلامی پرداخته می‌شود. در ادامه، سبک‌های فرزندپروری معرفی و با آموزه‌های اسلامی مقایسه می‌شوند. در پایان نیز تحلیل نهایی و نتایج پژوهش ارائه خواهد شد.

مفهوم تربیت جنسی

اصطلاح «تربیت جنسی» در علوم تربیتی جدید به فرایند آموزش و پرورش آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد نسبت به جنسیت، بدن، روابط و مسئولیت‌های ناشی از آن گفته می‌شود (شریفی، ۱۳۹۵: ص ۸۲). در نگاه غربی،

این تربیت غالباً ناظر بر «آموزش زیستی و بهداشت جنسی» است، اما در منظومه تربیت اسلامی، مفهوم آن عمیق‌تر و اخلاق‌محورتر است. در اسلام، تربیت جنسی تنها انتقال اطلاعات نیست، بلکه هدایت تدریجی غریزه جنسی در مسیر بندگی، ازدواج مشروع و عفاف است (مطهری، ۱۳۷۱: ص ۵۹). بدین معنا که هدف اصلی تربیت جنسی، پاسداشت کرامت انسانی و صیانت از سلامت روح و جسم است.

از نظر لغوی، واژه «تربیت» از ریشه‌ی «رَبَّ» به معنای پرورش دادن و به کمال رساندن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۹۰). بر این اساس، تربیت جنسی به معنای «پرورش و هدایت غریزه جنسی در مسیر صحیح انسانی و الهی» است. در نتیجه، این مفهوم برخلاف برداشت‌های محدود غربی، شامل ابعاد معرفتی، عاطفی، اخلاقی و رفتاری نیز می‌شود.

در نگرش اسلامی، غریزه جنسی نه امری پلید و نه مطلقاً مقدس است، بلکه یکی از نعمت‌های الهی برای تداوم نسل و آرامش روانی انسان است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱).

این آیه بیانگر آن است که میل جنسی در انسان برای تحقق مودت، رحمت و آرامش در نهاد خانواده نهاده شده است. بنابراین، فلسفه‌ی اصلی تربیت جنسی در اسلام، هدایت غریزه در چارچوب خانواده و ازدواج مشروع است.

مطهری تأکید می‌کند که اسلام با سرکوب غریزه مخالف است؛ زیرا سرکوب موجب انحراف روانی می‌شود، ولی در عین حال اجازه‌ی رهاسازی بی‌قید و شرط را نیز نمی‌دهد، بلکه بر «کنترل عقلانی و شرعی» تأکید دارد. این رویکرد، برخلاف دیدگاه‌های غربی است که عمدتاً بر آزادی بی‌حد و مرز در روابط جنسی تأکید دارند و نتیجه‌ی آن، فروپاشی اخلاق و خانواده بوده است (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۷۲).

در نتیجه، فلسفه‌ی تربیت جنسی در اسلام را می‌توان در سه محور خلاصه کرد:

۱. صیانت از فطرت و سلامت روانی - جسمی انسان.
۲. هدایت غریزه در مسیر ازدواج و تشکیل خانواده.
۳. تقویت حیا، عفاف و مسئولیت اخلاقی در رفتار جنسی.
۴. مراحل تربیت جنسی از منظر اسلامی

از نگاه قرآن و سنت، تربیت جنسی باید تدریجی، متناسب با رشد شناختی و عاطفی کودک، و غیرتحریک‌آمیز باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۵۴). پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) در روایات متعدد به رعایت مراحل تربیت و تفکیک بسترها و زمان‌ها تأکید کرده‌اند.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:

«فَرَّقُوا بَيْنَ فِرَاشِ أَوْلَادِكُمْ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰: ص ۱۱۴).

این دستور ناظر به آموزش غیرمستقیم حدود جسمی و حفظ حریم خصوصی است. در واقع، اسلام بر آن است که تربیت جنسی از سنین پایین آغاز شود، اما نه به شکل آشکار و صریح، بلکه در قالب رفتار، محیط، و الگوسازی والدین.

مطابق با آموزه‌های اسلامی، می‌توان سه مرحله‌ی اصلی برای تربیت جنسی ترسیم کرد:

مرحله‌ی پیش‌دبستانی (تا ۷ سالگی): کودک نیاز به الگوسازی رفتاری دارد. رعایت پوشش والدین، تفکیک بستر خواب و پاسخ غیرمستقیم به پرسش‌های جنسی در این مرحله اهمیت دارد.

مرحله‌ی دبستان (۷ تا ۱۴ سالگی): زمان آموزش مفاهیم اخلاقی چون حیا، کنترل نگاه و رعایت حریم خصوصی است.

مرحله‌ی بلوغ و نوجوانی (۱۴ تا ۲۱ سالگی): باید آگاهی دینی و اخلاقی درباره ازدواج، روابط سالم و مسئولیت‌های خانوادگی تقویت شود (مطهری، ۱۳۷۱: ص ۷۵).

در هر یک از این مراحل، حضور آگاهانه و صبورانه والدین ضروری است؛ زیرا آموزش‌های نامناسب یا پاسخ‌های اشتباه می‌تواند سبب اضطراب و انحراف شناختی در نوجوان گردد (نقی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۳۸).

اصول تربیت جنسی در اسلام

اصول تربیت جنسی در آموزه‌های اسلامی را می‌توان در چند محور بنیادین خلاصه کرد:

الف. اصل فطرت و کرامت انسان:

اسلام بر این باور است که غریزه‌ی جنسی همانند سایر غرایز، بخشی از فطرت الهی انسان است که باید در مسیر تعالی هدایت شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰).

بنابراین، هدف تربیت جنسی، نابودی غریزه نیست، بلکه هدایت آن در جهت فطرت الهی است.

ب. اصل حیا و عفاف:

حیا در فرهنگ اسلامی به معنای کنترل درونی و خودپایی اخلاقی است که از ایمان سرچشمه می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۱۰۶). تربیت جنسی بدون تقویت حیا، در واقع آموزش بی‌اخلاقی است. حیا موجب می‌شود انسان در مواجهه با محرک‌های جنسی، عقل و ایمان را بر احساس مقدم دارد.

ج. اصل تدریج و تناسب با رشد:

اسلام بر تدریج در آموزش تأکید دارد. هر مرحله از رشد، ظرفیت خاصی برای درک مسائل جنسی دارد. گفت‌وگوی زودهنگام یا بیش‌ازحد صریح درباره امور جنسی می‌تواند منجر به کنجکاوی‌های زودرس و اضطراب شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۵۵).

د. اصل الگوسازی والدین:

رفتار والدین مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری نگرش جنسی کودک است. اگر والدین در رفتار خود احترام، عفاف، گفت‌وگوی محترمانه و رعایت حدود بدنی را نشان دهند، فرزند همان را درونی می‌کند. در مقابل، رفتارهای متناقض یا بی‌پروای والدین، موجب اختلال در درک کودک از مفهوم حریم و حیا می‌شود (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۸۰).

هـ. اصل مسئولیت‌پذیری اخلاقی:

در اسلام، آزادی جنسی همواره با مسئولیت همراه است. هر نوع رفتار جنسی باید در چارچوب ازدواج و مسئولیت خانوادگی انجام گیرد. این اصل، مانع از روابط غیرمشروع و آسیب‌های اخلاقی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱: ص ۸۴).

دیدگاه مفسران و اندیشمندان اسلامی

مفسران بزرگ قرآن، از جمله فخر رازی و علامه طباطبایی، بر جنبه‌ی اخلاقی و تربیتی آیات مربوط به روابط زن و مرد تأکید دارند. طباطبایی (۱۳۷۴، ج ۱۸: ص ۳۲۵) در تفسیر آیه‌ی «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور: ۳۰) می‌نویسد: این آیه اساس تربیت جنسی در اسلام است؛ زیرا کنترل نگاه مقدمه‌ی کنترل رفتار است. در نتیجه، تربیت جنسی از درون آغاز می‌شود، نه از بیرون.

فرمودند: «كُونُوا لِأَوْلَادِكُمْ أَوْطَافًا، وَ أَحَبُّوا لَهُمْ مَا تُحِبُّونَ لَأَنْفُسِكُمْ»؛ برای فرزندانان همراه و پناه باشید و آنچه برای خود می‌پسندید برای آنان نیز بخواهید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ص ۴۵۲).

ج. الگوسازی عملی:

والدین باید خود نمونه‌ای از رفتار عفیفانه و احترام متقابل باشند. گفتار در مورد حیا زمانی اثرگذار است که کودک مصداق آن را در زندگی والدین ببیند (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۸۲).

د. نظارت و هدایت رسانه‌ای:

یکی از وظایف والدین در عصر حاضر، کنترل و هدایت استفاده‌ی فرزندان از رسانه‌ها و فضای مجازی است. اسلام بر مسئولیت‌پذیری در حفظ چشم و گوش از محرک‌های حرام تأکید دارد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰).

بنابراین، نظارت والدین باید هم بر اساس محبت و هم بر مبنای آگاهی و آموزش باشد، نه بر پایه‌ی تحکم و منع مطلق.

آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت نقش والدین

پژوهش‌های تربیتی نشان داده است که والدین آگاه، محبت‌ورز و مقتدر می‌توانند رفتارهای جنسی سالم، عزت‌نفس و حیا را در فرزندان نهادینه کنند. در مقابل، والدینی که فرزندان خود را از پرسش باز می‌دارند یا موضوعات جنسی را با شرم و گناه همراه می‌سازند، ناخواسته زمینه‌ی انحراف، ترس یا رفتارهای پنهانی را فراهم می‌آورند (شریفی، ۱۳۹۵: ص ۸۸).

از دیدگاه اسلام، تربیت جنسی موفق زمانی تحقق می‌یابد که والدین در سه بعد آگاهی، محبت و نظارت تعادل برقرار کنند. چنین خانواده‌ای محیطی امن و معنوی فراهم می‌سازد که در آن، کودک با شناخت صحیح از بدن خود، حفظ کرامت و احترام به جنس مخالف، به بلوغ سالم و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۶۶).

انواع سبک‌های فرزندپروری

پژوهش‌های روان‌شناسی، به‌ویژه کارهای دیانا بامریند (Baumrind, 1991)، سه سبک اصلی فرزندپروری را معرفی کرده‌اند: مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه. افزون بر این سه، برخی محققان سبک «بی‌تفاوت» را نیز مطرح

کرده‌اند (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۹۱). در تربیت اسلامی نیز می‌توان این سبک‌ها را با آموزه‌های اخلاقی و دینی مقایسه نمود تا میزان سازگاری آن‌ها با مبانی اسلامی روشن شود.

الف. سبک مقتدرانه

سبک مقتدرانه، تعادلی میان محبت و کنترل است. والدین مقتدر، با حفظ مرزهای اخلاقی، به فرزندان خود احترام می‌گذارند، به سخنانشان گوش می‌دهند و در تصمیم‌گیری‌ها از آنان نظر می‌خواهند. این والدین، هم صمیمیت دارند و هم نظم را برقرار می‌کنند.

از منظر اسلامی، این سبک نزدیک‌ترین شیوه به تربیت قرآنی است. قرآن کریم در الگوی لقمان، ترکیب «محبت، گفت‌وگو و هدایت» را نشان می‌دهد:

«يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ... وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» (لقمان: ۱۳-۱۷).

والدین مقتدر، در تربیت جنسی فرزندان، به جای تحکم یا بی‌تفاوتی، از گفت‌وگو و آموزش تدریجی استفاده می‌کنند. آنان ضمن بیان ارزش‌های اخلاقی، فرصت می‌دهند فرزندان احساس استقلال و اعتماد به نفس کنند. نتیجه آن است که کودک یا نوجوان در برابر وسوسه‌های بیرونی، تصمیمی آگاهانه می‌گیرد و از درون به عفاف باور دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۶۶).

ویژگی‌های تربیت جنسی در سبک مقتدرانه:

آموزش صادقانه، اما متناسب با سن و فهم کودک؛

نظارت محبت‌آمیز و غیرتحکمی؛

الگوسازی عملی در رفتار والدین؛

تأکید بر کنترل درونی و تقوا، نه صرفاً ترس از مجازات.

مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهد نوجوانانی که در خانواده‌های مقتدر رشد کرده‌اند، از بلوغ هیجانی، عزت نفس و کنترل جنسی بالاتری برخوردارند (نقی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۴).

ب. سبک مستبدانه

در این سبک، والدین با اقتدار افراطی و رفتار آمرانه عمل می‌کنند. دستور می‌دهند، تنبیه می‌کنند و برای احساسات یا پرسش‌های کودک ارزشی قائل نیستند. این رویکرد بر پایه‌ی «اطاعت کورکورانه» استوار است و معمولاً با جمله‌هایی چون «سؤال نکن، فقط انجام بده!» همراه می‌شود.

از دیدگاه اسلامی، گرچه نظم و اقتدار در خانواده اهمیت دارد، اما تحکم بی منطق و خشونت با روح تعلیم و تربیت دینی ناسازگار است. قرآن کریم می فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

بنابراین، خشونت و سردی در رفتار والدین، موجب فاصله عاطفی میان آنان و فرزند می شود. در حوزه تربیت جنسی، این سبک معمولاً پیامدهای منفی دارد؛ زیرا نوجوانان در خانواده های مستبد، برای یافتن پاسخ سؤالات خود به منابع غیررسمی و گاه نادرست روی می آورند (شریفی، ۱۳۹۵: ص ۹۹).

آثار سبک مستبدانه در تربیت جنسی:

احساس گناه و شرم افراطی نسبت به بدن؛

ناتوانی در بیان نیازها و پرسش ها؛

بروز رفتارهای پنهانی یا دوگانه؛

احتمال بالای انحراف یا کنجکاوی های ناسالم.

امام علی (ع) در این باره هشدار داده اند: «مَنْ بَالَعَ فِي الْأَدَبِ أَفْسَدَ»؛ کسی که در تأدیب افراط کند، فاسد می سازد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۴۲۸). این سخن نشان می دهد که افراط در کنترل یا تنبیه، نتیجه ای معکوس در تربیت اخلاقی و جنسی دارد.

ج. سبک سهل گیرانه

در این سبک، والدین بیش از اندازه آسان گیرند و هیچ محدودیت یا نظارتی بر رفتار فرزندان ندارند. محبت در این خانواده ها بسیار است، اما کنترل و راهنمایی کم رنگ یا غایب است. نتیجه، شکل گیری نسلی است که احساس مسئولیت و نظم رفتاری ندارد (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۹۶).

از دیدگاه دینی، سهل گیری مطلق با مفهوم «تربیت» ناسازگار است. اسلام بر محبت تأکید دارد، اما محبت باید همراه با هدایت باشد. قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶).

این آیه، والدین را به مراقبت از خانواده در برابر انحرافات اخلاقی و رفتاری دعوت می کند. بنابراین، بی تفاوتی در برابر رفتارهای جنسی نابجا، نوعی غفلت از مسئولیت شرعی و اخلاقی است.

پیامدهای سبک سهل گیرانه:

رشد زودرس جنسی در کودکان؛

استفاده بی ضابطه از فضای مجازی؛

ضعف در مرزبندی و رعایت حیا؛

احتمال بالای انحراف یا بی مبالاتی اخلاقی.

در تربیت اسلامی، محبت بدون کنترل همچون درختی است بی ریشه که به زودی می خشکد. والدین سهل گیر، اگرچه نیت خیر دارند، اما به سبب نبود هدایت جدی، زمینه انحرافات جنسی و اخلاقی را ناخواسته فراهم می کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۷۱).

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که والدین نقش بنیادی در هدایت و تنظیم رفتار جنسی فرزندان دارند و سبک فرزندپروری آنان مستقیماً بر نگرش و رفتار جنسی کودک و نوجوان تأثیر می گذارد. بررسی ها روشن ساخت که: - سبک مقتدرانه که ترکیبی از محبت، نظارت و گفت و گوی منطقی است، با آموزه های اسلامی بیشترین هم سویی را دارد. این سبک سبب تقویت کنترل درونی، رشد عقلانی غریزه و شکل گیری رفتارهای مبتنی بر حیا و مسئولیت می شود.

- سبک مستبدانه با سرکوب و اجبار، زمینه بروز ترس، پنهان کاری و دوگانگی رفتاری را فراهم می سازد و مانع شکل گیری اعتماد به نفس جنسی سالم در فرزندان می شود.

- سبک سهل گیرانه و بی تفاوت نیز با نبود چارچوب و نظارت مؤثر، به شکل گیری نگرش های بی ضابطه و انحراف از منجر می شود.

از منظر قرآن و روایات، تربیت جنسی نه به معنای تحریک زودرس و نه به مفهوم سرکوب غریزه است؛ بلکه عبارت است از هدایت غریزه در چارچوب عقل، ایمان و حیا. والدین با ایفای نقش الگویی، ایجاد فضای گفت و گوی صمیمانه، آموزش غیرمستقیم و رعایت مرزهای اخلاقی می توانند این هدف را محقق سازند. اسلام، پدر و مادر را «امینان الهی در زمین» می داند که مسئولیت دارند نه تنها جسم، بلکه روح و تمایلات فرزند را نیز به سوی سلامت و تقوا هدایت کنند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تربیت در قرآن. قم: اسراء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- شریفی، حسن (۱۳۹۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- نقی‌پور، الهام (۱۳۹۸). نقش خانواده در تربیت جنسی نوجوانان. مجله پژوهش‌های تربیتی، ۲۵(۳)، ۳۱-۵۸.
- حسینی، زهرا (۱۴۰۰). سبک‌های فرزندپروری و سلامت روان فرزندان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.